

بررسی و تحلیل همبستگی ملی در گام دوم انقلاب؛ به سوی تدوین الگوی نظری و عملی (الزامات و بایسته‌ها)

حسین مهدیان^{۱*}، یعقوب یوسف وند^۲، محمد ذبیحی^۳، بهمن فلاح^۴

چکیده

در این پژوهش همبستگی ملی در گام دوم انقلاب اسلامی در جهت ارائه الگوی نظری و عملی مورد بررسی و تحلیل و آسیب‌شناسی قرار گرفته است و تلاش شده به این پرسش‌ها پاسخ داده شود که نقاط آسیب‌زای همبستگی ملی در گام دوم انقلاب کدامند؟ و چه الگوی نظری و عملی در راستای ایجاد همدلی و هم‌زبانی پیشنهاد می‌گردد؟ هدف از انجام این تحقیق در مرحله اول، تبیین و واکاوی مفاهیم نظری همبستگی ملی در عرصه مطالعات سیاسی و جامعه‌شناسی سیاسی و چرایی آن در گام دوم انقلاب است و در مرحله بعد، شناسایی نقاط آسیب‌زای پیشروی همبستگی ملی در جهت ارائه الگوی نظری و عملی در گام دوم انقلاب اسلامی است. برای پاسخ به پرسش‌های مطرح‌شده ابتدا مفهوم همبستگی ملی مورد واکاوی قرار گرفته و سپس به چرایی همبستگی ملی و ویژگی‌ها و چالش‌های انقلاب اسلامی در گام دوم اشاره شده است که برای تسهیل در فرآیند آسیب‌شناسی و فهم موضوع، الگوی نظری ارائه‌شده است در این پژوهش با روش توصیفی-تحلیلی و بر اساس مبانی نظری تحقیق و چالش‌های موجود در گام دوم انقلاب، آسیب‌های همبستگی ملی احصاء و به الزامات و بایسته‌های آن پرداخته شده و الگوی عملی در جهت تحقق همبستگی ملی پیشنهاد شده است. نتایج تحقیق حاکی از آن است که شناسایی آسیب‌های همبستگی ملی در گام دوم انقلاب و عمل مطابق الگوی عملی ارائه‌شده، باعث تحکیم و تقویت محورهای همبستگی ملی گردیده و در نتیجه تحقق همبستگی ملی در جامعه به دنبال خواهد داشت.

واژگان کلیدی: آسیب‌شناسی، همبستگی ملی، گام دوم انقلاب اسلامی، الگوی نظری، الگوی عملی

۱. (*نویسنده مسئول): استادیار علوم سیاسی دانشگاه افسری امام علی (ع)، تهران، ایران. ایمیل: hmahdian58@gmail.com

۲. استادیار علوم سیاسی دانشگاه افسری امام علی (ع)، تهران، ایران.

۳. دانش آموخته کارشناسی ارشد مدیریت نیروی انسانی، تهران، ایران.

۴. کارشناس ارشد علوم سیاسی، دانشگاه پیام نور خرم آباد، خرم آباد، ایران

مقدمه

مشارکت سیاسی و حضور گسترده عموم مردم و حرکت در راستای یک نظام ارزشی واحد و مخالفت با نظام ارزشی حاکم یکی از وجه مشترکات وقوع انقلاب‌هاست؛ به عبارت دیگر همبستگی ملی اکثر مردم نقش تعیین‌کننده‌ای را در شکل‌گیری انقلاب‌ها و ساقط نمودن نظام حاکم دارد. در دوران انقلاب اسلامی ایران نیز این مشارکت و همبستگی ملی مردم در اوج خود قرار داشت، به طوری که مردم و رهبران انقلاب اهداف و آرمان‌های مشخصی را دنبال می‌کردند و این مزیت در تسریع پیروزی انقلاب تأثیرگذار بوده است. وقوع انقلاب اسلامی در بهمن‌ماه سال ۱۳۵۷، ویژگی‌ها و دستاوردهایی را به همراه خود داشت که یکی از این ویژگی‌ها، وحدت کلمه یا به عبارت دیگر همبستگی ملی بین مردم و رهبران انقلاب بود. این مهم در حفظ انقلاب اسلامی در فراز و نشیب‌های آن تاکنون مؤثر واقع شده و از ایجاد دوگانگی و اختلال در مسیر انقلاب جلوگیری نموده است.

همبستگی ملی در شکل‌گیری و تداوم هر نظام سیاسی تأثیر بسزایی دارد و زمینه‌ساز رسیدن به اهداف و آرمان‌هایشان محسوب می‌شود. در دهه اول پس از انقلاب اسلامی این همبستگی ملی مردم و دولت همچنان با شدت برقرار بود که نمود آن را می‌توان در حضور اقشار مختلف جامعه و حتی مسیحیان ایرانی در جنگ ایران و عراق مشاهده نمود. اما در دهه‌های دوم و سوم انقلاب به‌انحاء مختلف از جمله وجود فقر در جامعه، مشکل اشتغال جوانان، بی‌عدالت اجتماعی، قانون‌گریزی، تغییر ارزش‌های معنوی به سمت ارزش‌های مادی و ثروت‌اندوزی همچون ساده‌زیستی به تجمل‌گرایی و ... همبستگی ملی مردم و دولت کم‌رنگ‌تر نشان داده می‌شود. برای نمونه می‌توان به حادثه کوی دانشگاه در سال ۱۳۷۸، و حوادث سال ۱۳۸۸ پس از دهمین انتخابات ریاست جمهوری اشاره نمود.

تفرقه و درگیری در اختلافات داخلی و کاهش حضور و مشارکت عمومی در مسائل سیاسی، اجتماعی و کلیه صحنه‌های تصمیم‌گیری باعث می‌شود که حکومت از صلابت و استحکام گذشته بی‌بهره شود و زمینه سست شدن ارکان انقلاب فراهم آید. از این‌رو تأکید و توجه به حضور دائمی و آگاهانه مردم و همبستگی ملی در کلیه مراحل شکل‌گیری،

تثبیت و تداوم انقلاب از اهمیت بالایی برخوردار است؛ در غیر این صورت مسیر انقلاب در جهت نیل به اهداف از پیش تعیین شده نخواهد بود. نام‌گذاری سال ۱۳۹۴ به سال «دولت و ملت؛ همبستگی ملی» توسط مقام معظم رهبری (مدظله) می‌تواند دلیلی بر کمرنگ شدن وحدت بین مردم و دولت باشد؛ چراکه بدون شک نام‌گذاری سال‌ها توسط رهبر انقلاب بر اساس نیازهای جامعه یا خطرات و آفاتی که ممکن است جامعه و کشور را تهدید نماید، صورت می‌گیرد. بنابراین با توجه به چالش‌های پیشروی در حوزه داخلی و خارجی و مصادف شدن گام دوم انقلاب با حضور نسل سوم انقلاب در عرصه‌های گوناگون با تمایلات، آمال و آرزوهایی متفاوت با نسل اول، ضروری است که نقاط آسیب‌زای همبستگی ملی در گام دوم انقلاب شناسایی و الگویی نظری و عملی در جهت پایداری و تقویت آن ارائه گردد.

بر این اساس، این تحقیق با بهره‌گیری از روش توصیفی-تحلیلی در پی آن است تا آسیب‌هایی که همبستگی ملی را در گام دوم انقلاب تهدید می‌نماید، شناسایی و الگویی نظری و عملی را در جهت پایداری و تقویت آن ارائه نماید؛ به عبارت دیگر موانع، الزامات و بایسته‌های همبستگی ملی را بیان نماید.

مبانی نظری تحقیق پژوهش

مفهوم شناسی همدلی و همبستگی ملی در عرصه مطالعات سیاسی

برای فهم همبستگی ملی در ابتدا بایستی تعاریفی از آن ارائه شود. در فرهنگ فارسی «همدلی» به معنی دارای یک رأی و اندیشه بودن، متفق و متحد بودن و هم‌زبانی نیز به معنی با کسی که با دیگری در تکلم به زبانی شرکت دارند، متفق‌القول، هم‌سخن و یک زبان معنا شده است. (معین، ۱۳۸۶: ۱۲۳۹)

به نظر می‌رسد در علوم جدید نخستین فردی که به صورت علمی این واژه را در روانشناسی معرفی کرد، ادوارد برادفورد تیچنر روانشناس آمریکایی بود. وی شاگرد مکتب علوم روحی ویلهلم دیلتای با اثرپذیری از هرمنوتیک روش‌شناختی دیلتای، بحث همدلی را

مطرح کرد. در مکتب علوم روحی دیلتای، فهم در علوم فرهنگی یا علوم انسانی مبتنی بر درک درونی مشترک انسان‌ها بود. (بلاشیر، ۱۳۸۰: ۲۲) به این دلیل است که تیچنر این واژه را در روانشناسی ساختارگرایی خود برجسته کرد. همدلی یعنی به احساس کسی وارد شدن. بعدها نظریه‌پردازان زیباشناختی، همدلی را به مفهوم توانایی ادراک تجربه ذهنی فرد دیگر مطرح کردند و از همین مفهوم برای تشخیص و درمان در روانشناسی و روان‌پزشکی به‌طور ویژه کمک گرفتند که امروز نقش جدی را در برقراری ارتباط به عهده دارد. تعاریف مختلفی از همدلی شده است؛ در یک تعریف همدلی را توانایی تجربه و درک آنچه دیگران احساس می‌کنند، می‌داند. در تعریفی دیگر، همدلی را نیرویی توانمند برای محقق ساختن اهداف و برنامه‌های سازمان و کارآمدترین دلیل برای پیشبرد رشد شخصی و روابط انسانی و ارتباط با دیگران تعریف می‌کند. (گروهی از نویسندگان، ۱۳۹۴: ۳۴)

در عرصه مطالعات سیاسی واژه همبستگی ملی در ارتباط نزدیک با مفهوم واژگان انسجام سیاسی، وحدت کلمه، وحدت سیاسی، وفاق و همبستگی قرار دارد و دارای بار معنایی مشترکی هستند. تعاریف مختلفی از واژگان موصوف در ادبیات سیاسی ارائه شده که در اینجا برای رسیدن به یک مفهوم کلی از همبستگی ملی ابتدا به شرح مفاهیم همبستگی و انسجام می‌پردازیم.

همبستگی عبارت است از احساس تعلق خاطر مشترک و احساس تعهد مشترک افراد به اجتماع ملی یا آن «ما»ی بزرگی که به افراد هویت جمعی می‌دهد. (شیخاوندی، ۱۳۸۰: ۳۱)

همبستگی ملی مهمترین رمز تداوم حیات دولت‌های کنونی است. از لحاظ پیوند خاصی که بین دولت و ملت در عصر جدید ایجاد شده است، تصور دولتی که در آن همبستگی ملی برقرار نباشد امکان‌پذیر نیست. ایجاد، استمرار و تعمیق همبستگی ملی از چنان اهمیتی در دولت‌های کنونی برخوردار است که نه تنها دولت‌ها، بلکه نخبگان، اندیشمندان و وطن‌دوستان نیز برای نیل به آن تمامی تدابیر و روش‌ها را به کار می‌گیرند. (مقصودی و ارسیا، ۱۳۸۸: ۱۰۰)

«انسجام به معنای گردآوردن عناصر متشکله گوناگونی به صورت منظم و در جهت تشکیل یک مجموعه است. انسجام یا همبستگی به معنای داخل شدن افراد در یک محیط ملی فرهنگی و تعلق نسبت به چارچوب‌ها، ساخت‌ها و شرایط اجتماعی آن محیط ملی است. از بعد محتوای وجدانی نیز انسجام به مفهوم جذب شدن در ارزش‌ها و هنجارهای ملی فرد تعهدات است. با جذب شدن فرد در محیط ملی را در برابر محیطش به عنوان عنصری همبسته و مسئول می‌پذیرد» (میقاتی، ۱۳۹۰: ۱۰۹)

انسجام یا وفاق از اجزای نظریه توافق به شمار می‌آید که کارکرد آن پیوند دادن افراد یک جامعه یا یک ملت به یکدیگر بوده و این کارکرد را با استفاده از ساختارهای نهادی و هنجاری موجود در نهادها برآورده می‌نماید.» (جلایی‌پور، ۱۳۷۲: ۷۹)

بر پایه تعاریف ارائه شده از مفاهیم همبستگی و انسجام در عرصه مطالعات سیاسی و اجتماعی، همبستگی ملی پدیده‌ای است که بر اساس آن افراد، گروه‌ها و اعضای یک جامعه را به هم پیوند می‌دهد و احساس تعلق خاطر و تعهد مشترکی را بین آن‌ها نسبت به هویت جمعی ایجاد می‌کند؛ به عبارت دیگر همبستگی ملی رابطه‌ای است بین اعضای یک گروه یا جامعه حول یک سری ارزش‌ها و هنجارهای واحدی که دارای گفتار واحد، رأی و اندیشه و احساس تعلق و تعهد مشترکی نسبت به ارزش‌ها و هنجارهای محوری هستند. در این رابطه افراد خود را در هویت جمعی سهیم می‌دانند و نسبت به آن تعهد دارند.

محورهای همبستگی ملی

نظام ارزشی و مبانی ایدئولوژیک

در ادبیات سیاسی، ایدئولوژی از نظر لغوی به مفهوم عقیده یا نظر سیاسی تعریف شده است و برخی آن را به مجموعه‌ای از اندیشه‌ها درباره‌ی زندگی، جامعه یا حکومت اطلاق می‌کنند که با گذشت زمان، بر اثر کثرت استعمال به صورت اعتقاد مسلم و وجه مشخص گروه یا حزبی خاص درمی‌آید. به عبارت دیگر نظام فکری و عقیدتی که قابل اعمال بر واقعیت‌های خارجی است. (قوام، ۱۳۸۶: ص ۷۵) ایدئولوژی همچون هر اندیشه و آرمانی

می‌تواند به مثابه‌ی سلاحی در جهت ارتقای روحیه ملی، تحکیم وحدت ملی و پشتوانه‌ی قدرت ملی عمل نماید. در زمان ما که به لحاظی عصر استعمارزدایی محسوب می‌شود، شعارهای ملی و ایدئولوژی ملی در بسیج مردم برای فداکاری در راه آرمان‌های استقلال‌خواهی نقش مهمی دارد. (روشندل، ۱۳۷۴: ص ۸۳) از دیدگاه تالکوت پارسونز ارزش‌ها غایات زندگی را تعیین و کنش‌های افراد را به‌سوی آن هدایت می‌کنند. کار ویژه‌ی نظام ارزشی هر جامعه ایجاد مبانی انسجام و همبستگی اجتماعی است. نهادهایی چون مذهب، فرهنگ و خانواده روی هم‌رفته تشکیل‌دهنده نظام ارزشی جامعه هستند. (بشیری، ۱۳۸۳: ۸۵-۸۶)

نظام هنجاری و حقوقی

هنجارها صورت عملی باورها و ارزش‌هاست؛ به عبارتی ماهیت هنجارها مبتنی بر ارزش‌ها و باورهای رایج در جامعه است. (نظری، ۱۳۹۰: ۳۰) سازه‌انگاران بر این عقیده‌اند که هنجارها، بازیگران و واکنش‌های معنادار را از طریق قرار دادن آن‌ها در نقش‌ها و محیط‌های اجتماعی به وجود می‌آورند. افزون بر این، هنجارها از طریق تعریف آنچه مناسب است (مقررات اجتماعی معین) و آنچه مؤثراست (قوانین معین علم) کنش‌ها را تنظیم می‌نمایند. (مینایی و زهدی، ۱۳۹۱: ۹۳) در چارچوب این دیدگاه، هنجارها نقش تنظیمی را در رفتارهای افراد و گروه‌های جامعه به عهده دارد و رفتار آن‌ها را در چارچوب و قواعد خاصی هدایت می‌کند. به عبارت دیگر کنش و واکنش افراد و گروه‌های جامعه تابعه نظام هنجاری است. چنانکه تفاهم در هنجارهای جامعه صورت یابد و قوانین مورد قبول و پذیرش عموم جامعه قرار گرفته باشد، تشابه رفتارها را به دنبال دارد؛ در نتیجه همبستگی، انسجام و همبستگی ملی تحقق می‌یابد. براین اساس قانون اساسی کشورها را که مورد تأیید اکثریت مردم قرار گرفته باشد، را می‌توان در زمره نظام هنجاری برشمرد.

نظام اقتصادی مبتنی بر مصالح و منافع عمومی

نظام اقتصادی، همواره در مجموعه‌ای از اصولی تجسم می‌یابد که زیربنای چارچوب خاص تنظیم فعالیت اقتصادی است. تعامل این اصول چارچوب فعالیت اقتصادی را

تشکیل می‌دهد و آن را به مسیر مطلوب این نظام هدایت می‌کند. هر نظام اقتصادی در جهت تحقق نتیجه مطلوب عمل می‌کند و نتیجه مطلوب ارتباط فراوانی با فلسفه اساسی نظام داشته و بر آن متوقف است. همچنین بر اولویت‌های اجتماعی برگزیده، مانند افزایش رفاه یا عدالت در توزیع، آزادی فردی یا استقلال جامعه، رشد اقتصادی یا حفظ اصول اخلاقی و... مبتنی است. (قحف، ۱۳۸۴)

به‌طور عمده سه نوع نظام اقتصادی در دنیای فعلی وجود دارد: ۱- نظام اقتصادی سرمایه‌داری: این نوع نظام، موفقیت بیشتر را در فراهم کردن زمینه برای حداکثر کردن سود در بازار می‌داند و ضمن تأکید بر همسویی منافع فرد و اجتماع، مکانیسم بازار را در برقراری تعادل اقتصادی کافی دانسته و هر نوع مداخله دولت را محکوم می‌کند. ۲- نظام اقتصاد سوسیالیستی: با پذیرش مکتب اقتصادی مارکسیسم و جهان‌بینی ماتریالیسم (اصالت ماده) و اصالت جمع، ابزار مادی تولید را به‌عنوان زیربنا و کلیه تحولات جامعه را روبنای تابع پیشرفت و تکامل ابزار مادی تولید می‌داند. بیشترین موفقیت اجتماع، در تأمین مصالح و منافع جامعه است، نه فرد. آزادی‌های فردی در زمینه‌های اقتصادی به نفع جامعه سلب می‌گردد و دولت به‌عنوان نماینده جامعه، برنامه‌ریزی را بر عهده می‌گیرد. ۳- نظام اقتصادی اسلام: این نوع نظام، تحت تأثیر جهان‌بینی توحیدی و نگرش به فرد و جامعه است و بیشترین موفقیت را در ایجاد توازن میان منافع فرد و اجتماع و برقرار کردن همسویی میان این دو می‌داند. بر همین اساس، آزادی فردی را در یک محدوده به رسمیت شناخته و وظایف گسترده‌ای در زمینه ایجاد تعادل اقتصادی، توازن و تأمین اجتماعی به‌عهده دولت گذاشته است. (نمازی، ۱۳۸۶: ۴۰)

از این رو نظام اقتصادی به‌عنوان یکی از اساسی‌ترین پایه‌های اقتصادی هر کشوری محسوب می‌شود و تحقق اولویت‌های اجتماعی، ایجاد همبستگی و انسجام ملی، ایجاد همدلی و هم‌زبانی و پیشرفت جامعه در حوزه‌های مختلف فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی، صنعتی و ... در تعامل پویا و ارتباط تنگاتنگ با نظام اقتصادی حاکم بر آن کشور قرار دارند.

برای مثال، کاهش فقر و در نتیجه، دسترسی بهتر افراد به تغذیه مناسب، می‌تواند از یک طرف منجر به افزایش امکان تحصیل در قشر فقیر جامعه و در نتیجه افزایش بهره‌وری و امکان دسترسی به درآمدهای بالاتر، کاهش شکاف طبقاتی و کاهش نابرابری در توزیع فرصت‌ها و در نتیجه افزایش انسجام اجتماعی گردد. همچنین هرچه توزیع ثروت و دارایی از منظر افراد یک جامعه، عادلانه‌تر به نظر آید، میزان همبستگی اجتماعی و پایداری افراد به داشتن جامعه‌ای سالم بیشتر خواهد بود. علاوه بر این، کاهش فقر می‌تواند موجب افزایش قابلیت و توانایی افراد در حوزه‌های مختلف و در نتیجه، افزایش مشارکت و حضور فعال در جامعه شود. (کریمی موغاری، ابونوری و زبیری، ۱۳۹۰: ۱۸۹)

نظام سیاسی کارآمد

کارآمدی میزان موفقیت در تحقق اهداف یا انجام مأموریتی تعریف شده است که نشان‌دهنده درجه رسیدن به اهداف است. نظام سیاسی آنگاه کارایی دارد که بتواند وظایفی را انجام دهد که بیشتر مردم از آن متوقع هستند (ماکویی، ۱۳۹۴: ۶۸). کار ویژه نیل به اهداف در یک نظام اجتماعی به وسیله نظام سیاسی آن صورت می‌گیرد. نظام سیاسی دارای چهار کارویژه است که عبارتند از: ۱- کارویژه انسجام و همبستگی اجتماعی که توسط ایدئولوژی و قانون اساسی صورت می‌گیرد؛ ۲- ایجاد همبستگی و حل منازعه که به وسیله دستگاه قضایی اجرا می‌گردد؛ ۳- کارویژه نیل به اهداف که توسط دستگاه اداری و دیوانی یا بوروکراسی صورت می‌گیرد؛ و ۴- کارویژه انطباق با شرایط متغیر و جدید که توسط دستگاه اجرایی یا حکومت مسئول اجرا می‌گردد. نظام سیاسی وقتی کاراست که کارویژه‌های خود را به خوبی انجام دهد. ناهماهنگی میان حوزه‌های گوناگون جامعه، منبع اصلی منازعه سیاسی است. از این‌رو منازعه ممکن است منبع اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی و سیاسی داشته باشد. نظام سیاسی وقتی باثبات است که به‌طور منظم داده‌ها را دریافت و به بازده تبدیل کند و از سوی دیگر مدار داده، فرآیند، بازده و بازخورد گسسته شود نظام سیاسی دچار اختلال می‌گردد. (بشیری، ۱۳۸۳: ۸۷-۸۶)

انقلاب اسلامی ایران

پیرامون تبیین علمی و مطالعه انقلاب‌ها، رهیافت‌های مختلفی در حوزه‌های سیاسی، امنیتی، اجتماعی، فرهنگی و ... ارائه گردیده است؛ یکی از رهیافت‌های موجود پیرامون وقوع انقلاب، تأکید بر اهمیت عوامل جامعه‌شناختی است. از آنجا که انقلابات یک عمل جمعی بوده و ساختار اجتماعی جامعه را مورد هدف قرار می‌دهند، نگرش اجتماعی به تغییر و تحولات سیاسی جوامع، از رهیافت‌های عمده مطالعه‌ی انقلابات در جهان است. از منظر این رهیافت، انقلاب یک عمل جمعی است و هر عمل جمعی صرف‌نظر از هر علتی که زمینه‌ساز وقوع آن باشد، در قالبی از همبستگی‌ها، شکل‌ها و جناح‌بندی‌های اجتماعی و توسط شبکه‌های ارتباطی و الگوهای عمل جمعی ویژه امکان‌پذیر می‌شود. (فوزی، ۱۳۸۷: ۷)

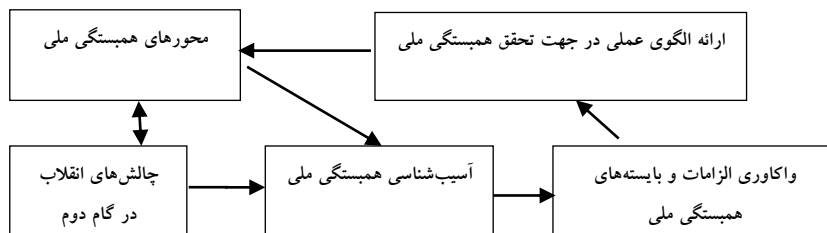
از نظر جامعه‌شناسی انقلاب به معنای یک تغییر ریشه‌ای و عمیق در جامعه و ساخت‌های اجتماعی به ویژه زمانی که به صورت ناگهانی و اغلب با خشونت باشد بیان شده است (محمدی، ۱۳۸۲: ۲۹). در بین جامعه‌شناسان سیاسی گروهی معتقدند که انقلاب نیازمند بسیج انقلابی و بسیج انقلابی نیز نیازمند وجود تشکلهای و شبکه‌های ارتباطی اجتماعی است؛ بنابراین انقلاب نیازمند وجود جامعه مدنی و وجود تشکلهای و همبستگی‌های قوی در درون جامعه است که این افراد جامعه را به خود آگاهی طبقاتی می‌رساند و زمینه بسیج را فراهم می‌آورد. (فوزی، ۱۳۸۷: ۸)

انقلاب اسلامی ایران نیز از آغاز تاکنون توجه بسیاری از اندیشمندان، پژوهشگران و متخصصان حوزه‌های مختلف علوم انسانی را به خود جلب کرده و با رویکردهای متفاوت و حتی متضاد، به عنوان یک موضوع مهم اجتماعی، فکری، سیاسی و تاریخی مورد مطالعه و بررسی قرار گرفته است. (ذوعلم، ۱۳۹۳: ۳۱) از منظر جامعه‌شناسی سیاسی، انقلاب اسلامی را می‌توان به مثابه یک پدیده اجتماعی - سیاسی به شمار آورد که در آن همدلی و انسجام نیروهای انقلابی و اقشار مختلف جامعه و بسیج مردمی از ویژگی‌های برجسته انقلاب اسلامی محسوب می‌شود.

انسجام نیروهای انقلابی یکی از شرایط اساسی موفقیت و استمرار هر حرکت بزرگ و انقلابی و مردمی است، لکن وحدت و انسجام اصناف و قشرهای مختلف و یکپارچگی اندیشه‌های مختلف نیازمند مبنا و ملاکی مستحکم است که بتواند محور وحدت و هماهنگ کننده تمام نیروها و افراد باشد. (حاجی صادقی، ۱۳۹۲: ۵۰) در انقلاب اسلامی ایران نیز وحدت پیام، همدلی و وفاق نیروهای اجتماعی و مردمی و رهبران انقلاب در پیروزی انقلاب تأثیر بسزایی داشته است به طوری که می‌توان آن را موتور حرکت انقلاب اسلامی نامید.

ارائه الگوی نظری

شناسایی آسیب‌ها و آفت‌های همبستگی ملی مستلزم آن است که از یک الگوی نظری مشخص پیروی کند. این امر باعث تسهیل در فرآیند آسیب‌شناسی می‌شود و درک آن را آسان می‌کند. در الگوی نظری ارائه‌شده در این پژوهش، آسیب‌ها بر اساس ویژگی‌ها و چالش‌ها انقلاب در گام دوم در حوزه‌های فرهنگی، سیاسی، اقتصادی و اجتماعی شناسایی می‌شود و بر پایه این آسیب‌ها، الزاماتی احصاء می‌گردد که موجب تقویت و تحکیم محورهای همبستگی ملی می‌شود و متولیان امر بایستی به آن توجه نمایند، و در آخر با توجه به یافته‌های بدست آمده الگوی عملی در جهت تحقق همبستگی ملی در گام دوم انقلاب ارائه می‌شود.



شکل ۱: الگوی نظری همبستگی ملی

چالش‌های انقلاب اسلامی در گام دوم

با وقوع هر انقلابی نخستین پرسشی که به ذهن می‌رسد آن است که آیا انقلاب‌ها پایدار خواهند ماند؟ فرجام هر انقلاب چیست؟ و سرنوشت تحولات پس از آن چگونه رقم خواهد خورد؟ تاریخ شاهد وقوع انقلاب‌های متعددی بوده که نتوانسته‌اند در برابر آسیب‌ها و چالش‌های داخلی و خارجی پایدار بمانند. (جمعی از نویسندگان، ۱۳۸۹: ۲۴۲) شناسایی آسیب‌ها و تبدیل چالش به فرصت یا تهدید یک مبحث کاملاً ضروری در مباحث اجتماعی است. اینکه آیا میدان چالش به عرصه فرصت بدل شود یا بسان تهدیدی خودنمایی می‌کند، به مؤلفه‌هایی چند بستگی دارد؛ رفتار حکومتی، فرآیند تحول ساختاری و الزامات جامعه داخلی و جهانی از جمله مؤثرترین آنهاست. در حقیقت وجود چالش در تمامی جوامع یک امر کاملاً بدیهی و به اقتضای هویت متغیر بشر ضروری است. جوامعی که این چالش‌ها را به‌عنوان جزئی از حیات سیاسی - اجتماعی خود پذیرفته‌اند، مسلماً در مهار و تبدیل آن‌ها به فرصت، بهترین کارآمدی را از خود نشان می‌دهند. (فاضل، ۱۳۸۵: ۱۴۹) انقلاب اسلامی ایران به‌عنوان نظامی نوپا در حالی گام دوم حیات خود را طی می‌کند که مقام معظم رهبری، در شروع گام دوم انقلاب آن را یک نظام جوان توصیف می‌کند که نیاز به کسب تجربه‌های بیشتر دارد، و می‌فرمایند: «یک نظام اجتماعی در ۳۰ سالگی و ۳۵ سالگی یک نظام کاملاً جوان است؛ اگر چنانچه به‌خصوص در این نظام، تحرک و تحول‌های درونی به‌موقع و بجا وجود داشته باشد، به آسانی سالخورده و فرسوده هم نخواهد شد؛ با گذشت صدها سال هم پیر و فرسوده نمی‌شود، لیکن آنچه مسلم است، در این سنین - ۳۰ تا ۴۰ سالگی - یک نظام اجتماعی، یک نظام جوان است. یعنی چه جوان است؟ یعنی هنوز به تجربه‌ی بیشتر احتیاج دارد؛ هنوز به کار و تلاش بیشتر در زمینه‌ی مبانی نیاز دارد تا به پختگی و قوام برسد. در این دهه، آنچه که به عنوان یک هدف و شعار باید مورد توجه قرار بگیرد، «پیشرفت و عدالت» است. این را شعار قرار بدهیم: پیشرفت و عدالت. مقصود، پیشرفت همه‌جانبه است؛ یعنی پیشرفت مادی و پیشرفت معنوی. پیشرفت مادی را هم نمی‌کنیم. یعنی مطلقاً مسئله‌ی معیشت مردم، مسئله‌ی اشتغال مردم، مسئله‌ی پیشرفت‌های علمی و

فناوری را مطلقاً دست کم نمی‌گیریم. این‌ها کاملاً مهم است و باید دنبال شود، تا در این زمینه‌ها فقر نباشد، بیکاری نباشد، گرانی و تورم قیمت‌ها نباشد؛ در این تردیدی نیست. اما در کنارش، به این اکتفا هم نمی‌کنیم، بلکه باید فکر روشن، اعتقاد عمیق، انگیزه‌ی روزافزون و جوشان و اخلاق انسانی و والای اسلامی در کنار اینها گسترش پیدا کند.» (بیانات در دیدار برگزیدگان دانشجو؛ ۷ مهر ۱۳۸۷) بنابراین، نظام جمهوری اسلامی ایران در گام دوم عمرش، نظامی است جوان و نیازمند کسب تجربه که بایستی به مسئله پیشرفت و عدالت در همه حوزه‌ها توجه نماید؛ توجه به مسئله رفع فقر، ایجاد فرصت‌های شغلی برابر، جلوگیری از تورم، عدالت اجتماعی، توجه به پیشرفت‌های علمی و فناوری، عدالت در توزیع درآمد، انتصاب مدیران شایسته و ... از جمله عواملی هستند که می‌تواند حرکت تکاملی و روبه رشد آینده جمهوری اسلامی را ترسیم نموده و باعث گذر موفقیت‌آمیز نظام از سد تهدیدها و چالش‌های موجود در حوزه‌های مختلف اقتصادی، سیاسی، فرهنگی و اجتماعی شود.

در بحث آسیب‌شناسی فرهنگی گام دوم انقلاب، محمدرضا مجیدی (۱۳۸۲)، بعضی فعالیت‌های فرهنگی انحرافی در مطبوعات، ترویج عرفان‌های نوظهور و کاذب، اشتراک دوستان جهانی، توزیع تصاویر مستهجن و ضد اخلاقی در قالب‌های گوناگون، عدم کنترل دقیق اینترنت، سایت‌ها و شبکه‌های اجتماعی، تهاجم فرهنگی به‌منظور طرح مسائل مبهم و ایجاد شک و تردید در اعتقادات و ارزش‌های دینی و شبهات را جزء آسیب‌های فرهنگی برشمرده است. (مجیدی، ۱۳۸۲: ۱۲۳)

صادق سلیمی‌بنی (۱۳۹۲) در پژوهشی پیرامون شناسایی قوت‌ها و ضعف‌ها و تهدیدات فرهنگی فراروی نظام ج.ا.ایران در گام دوم انقلاب، موارد زیر را در زمره مهمترین ضعف‌ها و آسیب‌های فرهنگی در جامعه ایران بر می‌شمرد:

- کجروی مدیران فرهنگی،
- غرب آرمانی،
- خطر انقطاع فرهنگی نسل جوان و تضعیف ارزش‌های جامعه،

- حاکمیت فرهنگ ترجمه در محافل علمی،
- بی‌اعتنایی تعدادی از مسئولان و مدیران کشور به ارزش‌های دینی و روی آوردن به تجمل‌گرایی، فخرفروشی و رانت‌خواری.
- فقدان الگوسازی فرهنگی در حوزه‌های خدمت‌رسانی به مردم، وجدان‌کاری و پشتکار ملی، حفاظت از زیرزمینی، حفاظت از محیط زیست، تکریم ارباب رجوع، حفظ کرات و حرمت شهروندان.
- عدم تناسب میان توانمندی‌های فناوری و ارتباطی با رقبا و دشمنان در عرصه‌های اینترنت، رایانه، ماهواره و مخابرات.
- ناکافی بودن تولیدات فرهنگی ارزشی. (سلیمی بنی، ۱۳۹۲: ۶۱)
- بعد اجتماعی، بر مبنای امکانات بهزیستی (بهداشت و سلامت، آموزش، مسکن و اشتغال) اندازه‌گیری می‌شود. (حصیرچی و بیاوند، ۱۳۹۰: ۵۶) کمبود در هر کدام از حوزه‌های بالا، موجبات نارضایتی جامعه را به دنبال خواهد داشت.
- در پژوهش انجام شده توسط سلیمی بنی (۱۳۹۲) موارد ذیل جزء آسیب‌ها و ناهنجاری‌های اجتماعی جامعه ایران در گام دوم انقلاب شناخته شده است.
- مدگرایی و یا نوگرایی بدون توجه به مختصات فرهنگ بومی (دینی- ملی).
- پدیده خانه‌گریزی نوجوانان و جوانان- به خصوص در میان دختران به علت اختلاف با والدین و فرار از کتک، مسائل عاشقانه، اختلاف با ناپدری و نامادری و مشکلات ازدواج.
- افزایش آمار طلاق در جامعه به علت بیکاری، فساد، اعتیاد، نزاع‌های خانوادگی، چشم و هم‌چشمی و توقعات بی‌جا.
- گسترش اعتیاد به علت کسب وجهه اجتماعی، جلب توجه دیگران، پایین بودن سطح تحصیلات، سازگاری نداشتن با دیگران، بیکاری، عدم تمکین مالی و ناسازگاری با والدین.
- فرار مغزها به علت عدم برنامه‌ریزی صحیح در راستای استفاده بهینه از افراد تحصیل کرده.
- تبعیض و بی‌عدالتی اجتماعی در حوزه‌هایی نظیر اشتغال، توزیع درآمد، انتصاب مدیران و نابرابری فرصت‌ها. (سلیمی بنی، ۱۳۹۲: ۵۷ و ۶۱)

در حوزه سیاسی، یکی از چالش‌ها و آسیب‌های جدی و جبران‌ناپذیر جوامع انقلابی و نهضت‌ها، عامل تفرقه و اختلاف در جمع وفاداران انقلاب و نظام برآمده از آن است. تاریخ نهضت‌های صد ساله اخیر ایران، گواه این نظر است. عامل شکست نهضت مشروطیت و نهضت ملی نفت، چیزی جز تفرقه، دو دستی و نفوذ عناصر بیگانه و فرصت‌طلب در میان وفاداران به نهضت نبود. سیاست «تفرقه بیانداز و حکومت کن»، به‌عنوان یکی از شگردهای مؤثر دشمن در ناکام ساختن نهضت‌ها، در حافظه تاریخی این ملت وجود دارد. به همین به دلیل تأکید مکرر و همیشگی امام خمینی (ره) در زمینه وحدت ملی (وحدت کلمه)، که در گفته‌ها و نوشته‌های ایشان بیشترین فراوانی را نسبت به سایر واژه‌ها به خود اختصاص داده است، هم ناظر بر رمز پیروزی و هم معطوف به بقا و تداوم انقلاب و نظام برآمده از آن است و بر عکس، اختلاف و تفرقه، عامل اصلی نفوذ دشمنان و تهدید کننده امنیت و اقتدار ملی و مانع تداوم انقلاب اسلامی است. (مجیدی، ۱۳۸۲: ۱۲۳)

در گام دوم انقلاب مقام معظم رهبری (مدظله) علی‌رغم اینکه در طول سال‌های بعد از انقلاب بارها همگان را به وحدت دعوت نموده است، سال ۱۳۹۴ را سال دولت و ملت؛ همدلی و هم‌زبانی نامگذاری می‌کند که به نظر می‌رسد انتخاب این شعار برای سال، حاکی از وجود یک سری موانع و چالش‌های تفرقه‌افکنانه و اختلاف‌انگیز در مسیر تکامل نظام ج.ا.ایران است که وحدت بین دولت و ملت را بیش از پیش تهدید می‌کند.

پیرامون چالش‌های اقتصادی، دکتر محمد خوش‌چهره کارشناس مسائل اقتصادی و عضو هیئت علمی دانشکده اقتصاد دانشگاه تهران در گفتگویی با سایت خبری مشرق در فروردین ماه ۱۳۹۳، وضعیت اقتصادی کشور را نابسامان ارزیابی می‌کند و معتقد است، اقتصاد مقاومتی می‌تواند کشور را از نابسامانی کنونی خارج کند. ایشان، اقتصاد را علم استفاده بهینه از منابع می‌داند و می‌گوید، ما در ۸ سال اخیر، منابع گرانبهایی مانند نفت را فروختیم، اما به جای اینکه در ازای فروش آن منابع گران بها توسعه و رشد اقتصادی را به ارمغان بیاوریم تورم و ورشکستگی تولید داخلی و کاهش قدرت خرید مردم خودمان را شاهد بودیم. ایشان نامناسب بودن تولید داخلی کشور، مواجه شدن کشور با انبوهی از

فارغ‌التحصیلان جوان و جویای کار که منتظر پیدا کردن شغل مناسب هستند، را از چالش‌های اقتصادی مهم بر می‌شمرد. (برگرفته از سایت <http://www.mashreghnews.ir> مورخه ۹۳/۱/۲۴)

از دیگر چالش‌های ج.ا.ایران در گام دوم، فساد اقتصادی- اداری است؛ برابر گزارش سالانه سازمان شفافیت بین‌الملل در مورد فساد اداری و اقتصادی در کشورهای مختلف در سال ۲۰۱۳، که دوازدهم آذرماه ۱۳۹۴ منتشر شد، نشان می‌دهد که در میان ۱۷۷ کشور مورد بررسی، جمهوری اسلامی ایران با کسب ۲۵ امتیاز از ۱۰۰ امتیاز، یکصد و چهل و چهارمین کشور از نظر فساد اقتصادی و اداری معرفی شده است که این رتبه در سال گذشته رده ۱۳۳ معرفی شده بود و امسال کشورمان در این رده‌بندی تنزل داشته است. در تهیه این گزارش، فساد به‌عنوان «سوءاستفاده از قدرت برای انتفاع شخصی» تعریف شده و نظر مردم و کارشناسان در این زمینه مبنای ارزیابی است. به گفته این سازمان، ارزیابی فساد در هر کشور باید دست کم مبتنی بر سه منبع، شامل نظرخواهی از مردم یا مؤسسات مالی و تجاری و همچنین نظر کارشناسان و متخصصان باشد. هدف شفافیت بین‌الملل، مبارزه با فساد در تشکیلات دولتی و همچنین مؤسسات عمده خصوصی است و موضوعاتی مانند رشوه‌خواری، قانون‌شکنی و موارد دیگر سوءاستفاده از قدرت را در رده‌های مختلف دولتی و اقتصادی زیر نظر دارد. (برگرفته از سایت <http://fararu.com/fa/news> مورخه ۹۴/۹/۱۳)

براساس یافته‌های حاصل از تحقیقات این موسسه می‌توان گفت که ج.ا.ایران از نظر فساد مالی و اداری در وضعیت مناسبی قرار ندارند و در حال بدتر شدن نیز هست.

آسیب‌شناسی همبستگی ملی در گام دوم انقلاب اسلامی

مراد از آسیب‌شناسی همبستگی ملی، بررسی واقع‌بینانه آن دسته از عوامل، آفات، مشکلات، نارسایی‌ها و موانع که تحقق همبستگی ملی در حوزه‌های مختلف فرهنگی، سیاسی، اقتصادی، اجتماعی در جامعه را کند و یا ناممکن می‌سازد؛ به عبارت دیگر، لازمه تحقق همبستگی ملی در جامعه نیز رفع یک سری موانع و آسیب‌های پیشروی آن است. موانع و آسیب‌ها، همان آفت‌هایی هستند که اگر برطرف نشوند، حرکت تکاملی و روبه رشد آن

پدیده را با مشکل مواجه می‌سازد و موجبات تضعیف ساخت قدرت درونی نظام را در پی خواهد داشت.

با توجه محورهای تحقق همبستگی ملی و آنچه پیرامون چالش‌های گام دوم انقلاب اسلامی گفته شد، آسیب‌های پیشروی نظام که تحقق همبستگی ملی را با مانع مواجه می‌سازد، در حوزه‌های ذیل می‌توان مورد شناسایی قرار داد.

۱- آسیب‌های فرهنگی و اعتقادی

- گسترش فقر دینی و اعتقادی در بین جامعه به خصوص جوانان به واسطه بحث تهاجم فرهنگی و توزیع تصاویر مستهجن و ضد اخلاقی در قالب‌های گوناگون با توجه به گسترش شبکه‌های اجتماعی و فناوری‌های ارتباطی و ...
- ترویج عرفان‌های نوظهور و کاذب و ایجاد شک و تردید در اعتقادات و ارزش‌های دینی و ترویج شبهات و ...
- غرب‌گرایی، مدگرایی یا نوگرایی بدون توجه به مختصات فرهنگی دینی و ملی.
- ناکافی بودن تولیدات فرهنگی - ارزشی.
- بی‌اعتنایی برخی از مسئولان و مدیران کشور به ارزش‌های دینی و فرهنگ ملی و روی آوردن به تجمل‌گرایی، فخرفروشی و رانت‌خواری.
- انقطاع فرهنگی بین نسل سوم و نسل‌های اول و دوم انقلاب.

۲- آسیب‌های اجتماعی

- گرایش زیاد جوانان به اعتیاد و استعمال مواد مخدر.
- افزایش آمار فارغ‌التحصیلان رشته‌های گوناگون دانشگاه در مقاطع مختلف تحصیلی و نبود شغل بعد از تحصیل و در نتیجه افزایش بیکاری و گسترش فقر در جامعه.
- نبود زمینه‌های لازم (شغل و مسکن) جهت ازدواج جوانان.
- تبدیل شدن ثروت مالی به ارزش در جامعه و تقویت روحیه اشرافی‌گری.

- تبعیض و بی‌عدالتی اجتماعی در حوزه‌هایی نظیر اشتغال، توزیع درآمد و نابرابری فرصت‌ها.

۳- آسیب‌های سیاسی

- بی‌توجهی به قانون اساسی کشور و تفسیر به رأی آن.
- فقدان الگوسازی فرهنگی در حوزه‌های خدمت‌رسانی به مردم، وجدان‌کاری و پشتکار ملی، تکریم ارباب رجوع، حفظ کرات و حرمت شهروندان.
- افزایش منازعات سیاسی میان نخبگان حکومتی ایجاد تفرقه و اختلاف بین مسئولان.
- بد اخلاقی‌های سیاسی، هتاک‌ها و ترور شخصیتی شخصیت‌های نظام توسط افراطیون در جناح‌های مختلف از طریق رسانه‌های عمومی.
- عدم ارتباط بین نخبگان فکری و نخبگان حکومتی (ابزاری).
- روی آوردن مدیران و مسئولان به ثروت‌اندوزی، تجمل‌گرایی و اشرافی‌گری.
- تبعیض و بی‌عدالتی در انتصاب مدیران و مسئولان و عدم توجه به شایسته‌سالاری در تصدی مسئولیت‌ها.
- سوء استفاده از قدرت برای انتفاع شخصی (روشوه‌خواری، قانون‌شکنی، باندبازی، پارتی‌بازی و بی‌عدالتی) در تشکیلات دولتی

۴- آسیب‌های اقتصادی

- فساد اقتصادی در نتیجه سوء استفاده از اموال عمومی و قدرت دولتی.
- تورم و کاهش خرید قدرت مردم.
- بیکاری و افزایش فقر در جامعه.
- تبعیض و بی‌عدالتی در توزیع امکانات و صنایع اشتغال‌زا در مناطق جغرافیایی کشور.
- بالابودن سود تسهیلات بانکی.
- غیرعادلانه بودن نظام حقوق و دستمزد در دولت و جامعه؛

الزامات و بایسته‌های همبستگی ملی

لازمه علاج و رهایی از موانع و آسیب‌های پیشروی همبستگی ملی در گام دوم انقلاب اسلامی که در مبحث قبل مطرح شد، مد نظر قراردادن الزامات و بایسته‌های آن است. در اینجا سعی می‌شود با توجه به مباحث نظری و شناسایی آسیب‌ها در حوزه‌های فرهنگی، سیاسی، اجتماعی و اقتصادی، الزامات و بایسته‌های همبستگی ملی در حوزه‌های موصوف احصاء شود که در ادامه به شناسایی این الزامات می‌پردازیم.

۱- الزامات حوزه فرهنگی

- مدیریت صحیح فرهنگی کشور در حوزه‌های مختلف و پرهیز از سلیقه‌گرایی.
- انجام کارهای صحیح فرهنگی و اعتقادی همچون منبری خوب و موعظه خداپسندانه.
- گفتمان سازی فرهنگی و تولید نظریه در چارچوب فرهنگ دینی و ملی با تکیه علم و دانش در حوزه اقدامات فرهنگی.
- الگوسازی فرهنگی و ارائه تولیدات مناسب فرهنگی و ارزشی وفق شرایط روز جامعه.
- توجه به خواسته‌ها و نیازهای نسل سوم انقلاب و اقدام در جهت اعتمادسازی آن‌ها با نسل‌های اول و دوم انقلاب.
- پرهیز مدیران و مسئولان از فرهنگ تجمل‌گرایی و اشرافی‌گری.

۲- الزامات حوزه اجتماعی

- آگاهی بخشی به جامعه- به‌خصوص جوانان- پیرامون آثار استعمال مواد مخدر و برخورد قاطع با عاملان پخش و فروش مواد مخدر.
- فراهم کردن بسترهای لازم برای ازدواج جوانان (مسکن، تسهیلات با بهره پایین، شغل)
- برقراری عدالت اجتماعی در حوزه‌های مختلف.
- برنامه‌ریزی و سیاستگذاری صحیح در راستای جذب دانشجو براساس نیاز جامعه و با توجه به مختصات صنعتی، جغرافیایی و.... کشور و استفاده بهینه از افراد تحصیل کرده و اشتغال‌زایی در این راستا.

۳- الزامات حوزه سیاسی

- الگوسازی در حوزه‌های خدمت‌رسانی و پاسخگویی به مردم، وجدان‌کاری و پشتکار ملی، تکریم ارباب رجوع، حفظ کرات و حرمت شهروندان.
- عمل به قانون اساسی و دوری از تفسیر آن به نفع گروه، طیف یا جناح خود.
- آزادی بیان در چارچوب قانون و نقد منصفانه عملکرد مسئولان و دوری از نقد تعصبانه.

- توجه به شایسته‌سالاری و دوری از رابطه‌مداری و پارتی‌بازی.
- حاکم بودن آرامش و امنیت در جامعه و پرهیز از بداخلاقی‌های سیاسی.
- ارتباط و اجماع نظر بین نخبگان فکری و نخبگان حکومتی.
- برخورد قاطع با سوء استفاده کنندگان از قدرت (فساد اداری).

۴- الزامات حوزه اقتصادی

- تقویت ارتباط صنعت و دانشگاه و گفتمان‌سازی اقتصادی.
- توجه به تولیدات داخلی مبتنی بر دانش و پژوهش.
- اصلاح الگوی مصرف (پرهیز از مصارف غیرضروری).
- توجه به سیاست‌های کلی اصل ۴۴ قانون اساسی
- اجرای سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی.
- برخورد قاطع با مفسدان اقتصادی.
- توزیع عادلانه منابع ثروت و درآمد در سطح جامعه.
- پرداخت عادلانه حقوق و دستمزد.
- مقابله با تورم و اشتغال‌زایی.

ارائه الگوی عملی همبستگی ملی در گام دوم انقلاب

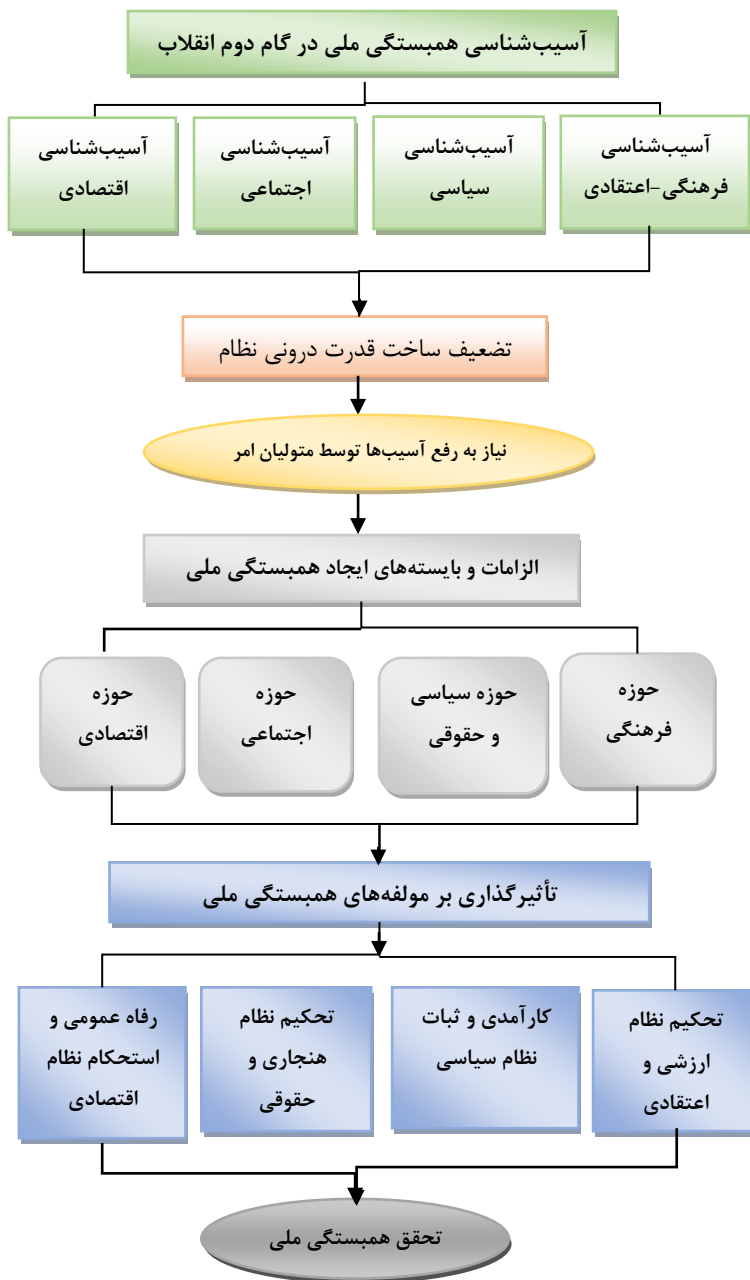
در جدول زیر چگونگی تأثیرگذاری الزامات و بایسته‌های همبستگی ملی بر محورهای همدلی و هم‌زبانی مشخص شده است. در این جدول متولیان و مجریانی مشخص شده که بایستی عمل به الزامات و بایسته‌ها را در راستای رفع آسیب‌ها، مورد توجه قرار دهند.

جدول ۱: چگونگی تأثیرگذاری الزامات همبستگی ملی بر محورهای همبستگی ملی

نوع آسیب	الزامات و بایسته‌ها همبستگی ملی	متولیان امر	چگونگی تأثیرگذاری بر مولفه‌های همبستگی ملی
فرهنگی	۱- مدیریت صحیح فرهنگی کشور در حوزه‌های مختلف و پرهیز از سلیقه‌گرایی.	مدیران فرهنگی دولتی	ارتقای روحیه ملی، تحکیم فرهنگ، اعتقادات و باورهای اسلامی و ملی،
	۲- انجام کارهای صحیح فرهنگی و اعتقادی همچون منبری خوب و خدایسندانه	مبلغین و مروجان فرهنگ دینی، گروه‌های اجتماعی، هنرمندان، خانواده	گسترش فعالیت‌های خودجوش فرهنگی، بسیج مردم در مسیر آرمان‌ها و اهداف ملی، تحکیم وحدت و قدرت ملی، (تحکیم نظام ارزشی)
	۳- گفتمان‌سازی فرهنگی و تولید نظریه در چارچوب فرهنگ دینی و ملی با تکیه بر علم و دانش در حوزه اقدامات فرهنگی.	محافل علمی و دانشگاهی، دولت	
	۴- الگوسازی فرهنگی و ارائه تولیدات مناسب فرهنگی و ارزشی وفق شرایط روز جامعه.	محافل علمی و مراکز مطالعاتی	
	۵- توجه به خواسته‌ها و نیازهای نسل سوم انقلاب و اقدام در جهت اعتمادسازی با نسل‌های اول و دوم انقلاب.	دولت، جامعه، خانواده	
	۶- پرهیز مدیران و مسئولان دولتی از تجمل‌گرایی و اشرافی‌گری	مدیران و مسئولان دولتی	
سیاسی	۱- الگوسازی در حوزه‌های خدمت‌رسانی و پاسخگویی به مردم، وجدان‌کاری و پشتکار ملی، تکریم ارباب رجوع، حفظ کرامت و حرمت شهروندان.	دولت و مراکز علمی و دانشگاهی	مشارکت سیاسی و مردمی، ایجاد همبستگی و حل منازعه، تنظیم کنش‌ها، تحکیم وحدت ملی و
	۲- عمل به قانون اساسی و دوری از تفسیر آن به نفع گروه، طیف و یا جناح خود.	افراد، گروه‌ها، جناح‌های سیاسی، مسئولان نظام و دولت	وحدت کلمه، نیل به اهداف تعیین شده، ایجاد رضایت عمومی و ثبات
	۳- آزادی بیان در چارچوب قانون و نقد منصفانه عملکرد مسئولان و دوری از نقد تعصبانه.	افراد، گروه‌ها، جناح‌های سیاسی، جامعه و کارشناسان متخصص حوزه‌های مختلف	نظام سیاسی و حقوقی (تحکیم نظام سیاسی و نظام هنجاری و حقوقی)
	۴- توجه به شایسته‌سالاری و دوری از رابطه‌مداری و پارتی‌بازی.	دولت	

	۵- حاکم بودن آرامش و امنیت در جامعه و پرهیز از بداخلاقی‌های سیاسی.	دولت، نخبگان حکومتی، جناح‌های سیاسی، افراد، گروه‌های اجتماعی
	۶- ارتباط و اجماع نظر بین نخبگان فکری و نخبگان حکومتی.	نخبگان فکری و نخبگان حکومتی
	۷- برخورد قاطع با سوء استفاده کنندگان از قدرت (فساد اداری).	نظام قضایی
اجتماعی	۱- آگاهی بخشی به جامعه و بخصوص جوانان پیرامون آثار استعمال مواد مخدر و اعتیاد و برخورد قاطع با عاملان پخش و فروش مواد مخدر.	خانواده، جامعه، دولت، رسانه ملی و نظام قضایی
	۲- فراهم نمودن بسترهای لازم جهت ازدواج جوانان (مسکن، تسهیلات با بهره پایین، شغل)	دولت
	۳- برقراری عدالت اجتماعی در حوزه‌های مختلف.	دولت
	۴- برنامه‌ریزی و سیاستگذاری صحیح در راستای جذب دانشجو براساس نیاز جامعه و با توجه به مختصات صنعتی، جغرافیایی و ... کشور و استفاده بهینه از افراد تحصیل کرده.	دولت
اقتصادی	۱- تقویت ارتباط صنعت و دانشگاه و گفتمان‌سازی اقتصادی و توجه به تولیدات داخلی مبتنی بر دانش و پژوهش.	دانشگاه و صنعت
	۲- اصلاح الگوی مصرف (پرهیز از مصارف غیرضروری)	دولت و ملت
	۳- توجه به سیاست‌های کلی اصل ۴۴ قانون اساسی	دولت
	۴- اجرای سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی.	دولت و مردم
	۵- برخورد قاطع با مفسدان اقتصادی.	نظام قضایی
	۶- توزیع عادلانه منابع ثروت و درآمد در سطح جامعه.	دولت
	۷- پرداخت عادلانه حقوق و دستمزد	دولت
	۸- مقابله با تورم و اشتغال‌زایی	دولت

در نمودار زیر الگوی عملی در جهت تحقق همبستگی ملی ملت و دولت در گام دوم انقلاب ارائه گردیده است:



شکل ۲: الگوی عملی تحقق همبستگی ملی (ملت و دولت)

نتیجه‌گیری

در این مقاله تلاش شد تا ضمن تبیین مفهوم همبستگی ملی، آسیب‌ها و موانع تحقق آن در گام دوم انقلاب اسلامی شناسایی شود و الگویی نظری و عملی در جهت تحقق همبستگی ملی در جامعه ارائه گردد. همبستگی ملی غالباً رابطه‌ای عاطفی در برقراری ارتباط با دیگران است و در حوزه علوم روان‌شناسی بیشترین کاربرد را دارد که البته قابل تسری به علوم دیگر از جمله علوم سیاسی است. در عرصه مطالعات جامعه‌شناسی سیاسی، همبستگی ملی رابطه‌ای است بین اعضای یک گروه یا جامعه پیرامون ارزش‌ها و هنجارهای واحدی هستند که دارای گفتار واحد، رأی و اندیشه و احساس تعلق و تعهد مشترکی نسبت به ارزش‌ها و هنجارهای محوری است. در این رابطه افراد خود را در هویت جمعی سهیم می‌دانند و نسبت به آن تعهد دارند. نتایج تحقیق نشان می‌دهد که شناسایی آسیب‌های گام دوم انقلاب و عزم لازم برای مرتفع نمودن آسیب‌ها براساس الزامات و بایسته‌های همبستگی ملی و الگوی عملی ارائه‌شده، در تحقق همبستگی ملی تأثیر بسزایی دارد و باعث تحکیم و تقویت محورهای همبستگی ملی می‌شود. در زیر به نتایج آسیب‌شناسی در حوزه‌های فرهنگی، سیاسی، اجتماعی و اقتصادی و تأثیر آن بر محورهای همبستگی ملی اشاره شده است:

- آسیب‌شناسی در حوزه فرهنگی، باعث ارتقای روحیه ملی، گسترش فعالیت‌های خودجوش فرهنگی، بسیج مردم در مسیر آرمان‌ها و اهداف ملی، تحکیم وحدت و قدرت ملی، تحکیم فرهنگ، تقویت اعتقادات و باورهای اسلامی و در نتیجه تحکیم نظام ارزشی- اعتقادی نظام می‌شود.

- آسیب‌شناسی در حوزه سیاسی- حقوقی، مشارکت سیاسی و مردمی، ایجاد همبستگی و حل منازعه، تنظیم کش‌ها و رفتارها، تحکیم وحدت ملی و وحدت کلمه، نیل به اهداف تعیین شده، ایجاد رضایت عمومی و و در نتیجه کارآمدی و تحکیم نظام سیاسی و نظام هنجاری و حقوقی را در پی دارد.

- آسیب‌شناسی در حوزه اجتماعی، کاهش نابهنجاری‌های اجتماعی همچون اعتیاد، فساد اخلاقی، پدیده خانه‌گریزی، طلاق و...، کاهش فرار مغزها، ایجاد رضایت عمومی، ایجاد انسجام و همبستگی اجتماعی و در نتیجه تحکیم نظام اجتماعی را به دنبال دارد.

- آسیب‌شناسی در حوزه اقتصادی، افزایش رفاه عمومی، رشد اقتصادی، ایجاد شغل، ایجاد اقتصاد دانش بنیان، حضور فعال مردم در فعالیت‌های اقتصادی، افزایش قدرت خرید مردم، ریشه‌کن شدن مفاسد اقتصادی و در نتیجه استحکام قدرت درونی نظام اقتصادی را به دنبال دارد.

به‌طور کلی تحکیم و تقویت محورهای همبستگی ملی (نظام ارزشی - اعتقادی، نظام سیاسی - حقوقی، نظام اقتصادی و نظام اجتماعی) بر مبنای آسیب‌شناسی صورت گرفته و عمل به الگوی ارائه‌شده، موجب ایجاد همبستگی ملی ملت و دولت می‌شود.

فهرست منابع

- بشیریه، حسین (۱۳۸۳). جامعه‌شناسی سیاسی، چاپ دهم، تهران: نشر نی.
- بلاشیر، ژوزف (۱۳۸۰). گزیده هرمنوتیک معاصر، مترجم: سعید جهانگیری، تهران: پرسش.
- جمعی از نویسندگان (۱۳۸۹). انقلاب اسلامی ایران، قم: دفتر نشر معارف، چاپ ۴۴.
- حاجی صادقی، عبدالله (۱۳۹۲). انقلاب اسلامی و برجسته‌ترین ویژگی‌ها از نگاه امام خمینی و مقام معظم رهبری، فصلنامه پژوهش‌های انقلاب اسلامی، سال دوم، شماره ۵.
- ذوعلم، علی (۱۳۹۳). فلسفه مطالعات انقلاب اسلامی، فصلنامه پژوهش‌های انقلاب اسلامی، سال یازدهم، شماره ۳۶.
- روشندل، جلیل (۱۳۷۴). امنیت ملی و نظام بین‌الملل، چاپ اول، تهران: سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی (سمت).
- سلیمی‌بنی، صادق (۱۳۹۲). وضعیت‌سنجی فرهنگی نظام جمهوری اسلامی ایران در آغاز گام دوم انقلاب: قوت‌ها، ضعف‌ها، فرصت‌ها و تهدیدها، فصلنامه مطالعات انقلاب اسلامی، سال دهم، شماره ۳۵.
- فوزی توپسرکانی، یحیی (۱۳۸۷). تحولات سیاسی اجتماعی بعد از انقلاب اسلامی در ایران ۱۳۵۷-۱۳۸۰ (جلد اول)، چاپ دوم، تهران: چاپ و نشر عروج.

فاضل، سید ابوتراب (۱۳۸۵). «مهم‌ترین چالش‌های پیشروی انقلاب اسلامی ایران در دهه سوم»، ایدئولوژی رهبری و فرآیند انقلاب اسلامی (مجمومه مقالات)، جلد دوم، تهران: چاپ و نشر عروج، چاپ دوم.

قوام، عبدالعلی (۱۳۸۶). اصول سیاست خارجی و سیاست بین‌الملل، چاپ هفتم، تهران: سمت. قحف، منذر (۱۳۸۴). دین و اقتصاد: نظام اقتصادی اسلام و علم تحلیل اقتصاد اسلامی، ترجمه سید حسین میرمعزی، مجله اقتصاد اسلامی، سال پنجم، شماره ۱۸.

کریمی‌موغاری، زهرا و ابونوری، اسماعیل و زبیری، هدی (۱۳۹۰). بررسی نقش انسجام اجتماعی در توسعه اقتصادی، فصلنامه برنامه‌ریزی و بودجه، سال شانزدهم، شماره ۱۱۵. جمعی از نویسندگان (۱۳۹۴). رسانه ملی؛ دولت و ملت، همدلی و هم‌زبانی، چاپ اول، تهران: مرکز پژوهش و سنجش افکار صدا و سیما.

مینایی، حسین و زهدی، یعقوب (۱۳۹۱). بررسی میزان تأثیر انسجام اجتماعی و تغییرات جمعیتی بر امنیت ج.ا.ایران، فصلنامه راهبرد دفاعی، سال دهم، شماره ۳۹.

مقصودی، مجتبی و ارسیا، بابک (۱۳۸۸). جایگاه گردشگری در تعمیق همبستگی ملی در ایران، فصلنامه مطالعات ملی، سال دهم، شماره ۱.

مجیدی، محمدرضا (۱۳۸۲). ده گفتار پیرامون انقلاب اسلامی، تهران: نشر معارف، چاپ اول.

محمدی، منوچهر (۱۳۸۲). تحلیلی بر انقلاب اسلامی، چاپ دهم، تهران: چاپخانه سپهر.

معین، محمد (۱۳۸۶). فرهنگ فارسی، چاپ اول، تهران: انتشارات هنرور.

منصوری شاد، طیب (۱۳۸۹). همدلی و تفاهم؛ زمینه ساز ارتباط اثربخش، مجله روابط عمومی، شماره ۷۳.

میقانی، احمد (۱۳۹۰). مؤلفه‌های انسجام در دولت اسلامی، فصلنامه مطالعات دفاعی استراتژیکی، شماره ۴۳.

نمازی، حسین (۱۳۸۷). نظام‌های اقتصادی، تهران، شرکت سهامی انتشار، چاپ پنجم.

نظری، نصراله (۱۳۹۰). انسجام اجتماعی از منظر قرآن کریم، دوفصلنامه تخصصی پژوهش‌های میان رشته‌ای قرآن کریم، سال دوم، شماره ۵.

یوسفی، احمد علی (۱۳۸۵). ابهام در اهداف نظام اقتصادی اسلام و ساماندهی آن، فصلنامه اقتصاد اسلامی، سال ششم، پاییز ۱۳۸۵.

گفتگو دکتر محمد خوش‌چهره با سایت مشرق نیوز، پیرامون چالش‌های اقتصاد ایران در سال ۱۳۹۳ / بزرگ‌ترین آفت اقتصادی دولت روحانی چیست؟ <http://www.mashreghnews.ir>
مورخه ۹۳/۱/۲۴.